



رانت، تضاد منافع و میلیون‌ها دلار فساد پرونده امین امرایی و شرکا در پتروشیمی مارون

تمامی اسناد و مدارک مورد اشاره و استفاده شده در این گزارش
به صورت فایل پی دی اف در کانال تلگرامی فیدوس قابل مشاهده است
<https://t.me/feydussirani>

تهیه‌شده بر اساس اسناد رسمی منتشرشده در سامانه کدال، گزارش‌های حسابرسی مستقل و اسناد هیئت‌مدیره پتروشیمی مارون. پتروشیمی مارون یکی از ستون‌های اصلی صنعت پتروشیمی ایران است. این شرکت که در بندر ماهشهر در استان خوزستان مستقر است، سالانه بیش از یک میلیون تن اتیلن تولید می‌کند، در بورس اوراق بهادار تهران فهرست شده و ده‌ها هزار سهامدار خرد، صندوق بازنشستگی و نهاد عمومی را در خود جای داده است. از سال ۱۴۰۰ که امین امرایی با مدرک لیسانس از دانشگاه آزاد امیدیه سکان مدیریت این غول پتروشیمی را در دست گرفت، مجموعه‌ای از تصمیمات، قراردادهای و انتصابات در این شرکت به جریان افتاد که اسناد رسمی آن‌ها تصویری نگران‌کننده از یک شبکه تضاد منافع و فساد سازمان‌یافته ترسیم می‌کنند. این گزارش بر پایه اسناد رسمی قابل دسترس در سامانه کدال، گزارش‌های حسابرسی مستقل و اسناد هیئت‌مدیره در خصوص برخی از زمینه‌های فساد تهیه شده است. اسناد دیگری از فساد مدیریت فعلی پتروشیمی مارون را پیشتر به صورت جداگانه منتشر کرده ایم. از جمله موضوع تبانی چند میلیون دلاری با شرکت پیمانکاری فاتح صنعت.

مجوزی که یک‌بار فروخته شد، یک‌بار دیگر بازگشت

در تیرماه ۱۴۰۳، امین امرایی در مقام مدیرعامل پتروشیمی مارون رسماً اعلام کرد که هلدینگ کیمیا — که با نام «کیمیگران» نیز شناخته می‌شود — موفق به خرید ۴۵ درصد از سهام مارون شده است. امرایی این خرید را «تحقق آرزوی دیرینه سهامداران کیمیا» توصیف کرد. اما پشت این اطلاعیه یک لایه پنهان وجود داشت: پیش از آنکه امرایی به صندلی مدیرعاملی مارون برسد، مجوز خرید ۲۳ هزار تن خوراک اتیلن اکساید را از پتروشیمی مارون دریافت کرده و آن را به شرکت کیمیگران فروخته بود. حالا همان خریدار، با همان مجوز و با کمک مدیرعاملی که معامله اولیه را ترتیب داده بود، بزرگ‌ترین سهامدار مارون شده بود. کارشناسان حاکمیت شرکتی این الگو را «دوبار بهره‌برداری از یک دارایی واحد» می‌نامند: مجوزی که یک‌بار از دارایی‌های مارون خارج شده بود و به واسطه آن ارزش مالی شرکت کیمیگران رشد کرده بود، با ورود کیمیگران به ساختار سهامداری، دوباره در ارزش‌گذاری دارایی‌های این هلدینگ حضور پیدا کرد. در هر دو مرحله این اقدام، امین امرایی در هر دو سوی میز نشسته بود. این تضاد منافع آشکار، که در استانداردهای حاکمیت شرکتی بین‌المللی جزو جدی‌ترین تخلفات قابل رسیدگی طبقه‌بندی می‌شود، تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است.

چند صد میلیارد زیان از یک سیاست فروش رانتی و فاسد

در کنار ماجرای مجوز کیمیگران، اسناد مالی رسمی مارون به یک زیان کاملاً قابل محاسبه دیگر نیز اشاره دارند که مستقیماً در دامن مدیریت فعلی قرار می‌گیرد. واحد EO/EG پتروشیمی مارون، که با لایسنس شرکت Shell هلند راه‌اندازی شده، ظرفیت تبدیل اتیلن به منو اتیلن گلایکول — یک محصول صادراتی با ارزش افزوده بالا — را دارد. اما طبق مستندات، در سال ۱۴۰۱ به‌جای طی کردن این مسیر ارزش‌افزا، اتیلن خام از واحد الفین مستقیماً به فروش می‌رسید. قیمت فروش هر کیلوگرم اتیلن گلایکول صادراتی در سال ۱۴۰۱ حدود ۱۴۱ هزار ریال بود؛ این در حالی است که قیمت اتیلن خام حدود ۴۹ هزار ریال برآورد می‌شد. اختلاف این دو نرخ، در مقایسه با حجم تولید، رقمی را ایجاد کرد که در اسناد موجود به حدود ۶ میلیون دلار زیان تنها در نخستین سال مدیریت امین امرایی تعبیر شده است. در گزارش‌های موجود، مسئولیت اجرای این سیاست به‌طور مستقیم متوجه امین امرایی در مقام مدیرعامل، مدیر بازرگانی و عضو کمیته فروش شرکت دانسته شده است.

نیروگاه ۴۱ میلیون یورویی که ارزش آن ۱۸ میلیون یورو است!

پرونده‌ای که شاید از همه ابعاد دیگر ملموس‌تر باشد، به طرح احداث نیروگاه ۳۰ مگاواتی در سایت کارخانه بازیابی اتان اهواز مربوط می‌شود. این سایت که متعلق به خوراک واحد الفین مارون در بندر ماهشهر است، در سال‌های اخیر با کمبود تقریباً ۹ مگاوات برق روبه‌رو بوده است. با تأیید مستقیم امرایی، طرحی برای خرید سه دستگاه کمپرسور از برند آلمانی MAN آغاز شد. قیمت اعلام‌شده برای این خرید حدود ۴۱ میلیون یورو بود. اما کارشناسان مستقل تأیید کرده‌اند که همین تجهیزات قابل تهیه با مبلغی در حدود ۱۸ میلیون یورو بودند، یعنی اختلافی بیش از ۲۳ میلیون یورو.

ایجاد این پرونده از همین‌جا پیچیده‌تر می‌شود. کمپرسورهای موردنظر در واقع ماشین‌آلاتی بودند که پیش‌تر برای کشور ترکیه سفارش داده شده بودند و به‌شکل دست‌دوم عرضه شده بودند، نه نو. شرکت MAN آلمان به‌عنوان سازنده اصلی صراحتاً اعلام کرد هیچ‌گونه گارانتی یا خدمات پس از فروشی به پتروشیمی مارون ارائه نخواهد داد. شرکت تأمین‌کننده، یک شرکت تازه‌تأسیس در منطقه آزاد قشم بود که هیچ سابقه‌ای در زمینه تأمین یا تعمیر تجهیزات صنعتی نداشت. مزید بر این، شرکت‌های داخلی که ظرفیت تأمین این نیاز را داشتند — از جمله شرکت مینا با توانایی ساخت نیروگاه ۲۵ مگاواتی و شرکت OTC وابسته به وزارت نفت با قابلیت ساخت کمپرسور — در فرآیند خرید کاملاً نادیده گرفته شدند. این در شرایطی است که دولت بارها بر لزوم «اقتصاد مقاومتی» و حمایت از تولید داخل تأکید کرده است.

انتقاد جدی دیگر به این معامله، جنبه ارزی آن است. در زمانی که کشور زیر فشار تحریم‌های سنگین بین‌المللی قرار دارد و هر دلار ارز خروجی به معنای فشار بیشتر بر ذخایر ارزی است، خروج ۴۱ میلیون یورو برای خرید تجهیزاتی که قابل تأمین داخلی بودند، «خروج ارز بی‌توجیه» است.

شبکه‌ای که شرکت به شرکت کشیده می‌شود

برای درک عمق پرونده فساد مدیر عامل مارون، باید نقشه روابط میان بازیگران اصلی را دید. اسناد هیئت‌مدیره شرکت‌های متعدد زیرمجموعه و مرتبط با مارون، یک الگوی را آشکار می‌کنند: چهره‌های مشخصی، در ترکیب‌های مختلف، در هیئت‌مدیره شرکت‌های مختلف حضور دارند و معاملات میان این شرکت‌ها جریان پیوسته دارند.

برای مثال حسین یزدانی — که اسناد او را به‌عنوان هماهنگ‌کننده کلی این شبکه معرفی می‌کنند — در هیئت‌مدیره طیف گسترده‌ای از شرکت‌ها از جمله آرمان نوین فرزنانگان صبا(رئیس هیات مدیره)، آيسان کيميا(عضو سابق هیات مدیره)، پتروشیمی آرمان سپاهان(عضو هیات مدیره)، پتروشیمی صدرا خوزستان(نایب رئیس هیات مدیره)، صنایع پتروایمن غدیر(نایب رئیس هیات مدیره) و صنایع پتروشیمی ابن‌سینا همدان(نایب رئیس هیات مدیره) حضور داشته است.

خسرو عباس‌نژاد قاضی‌جهانی — که دوستی دیرینه با امرایی دارد — سابقه نایب‌رئیس هیئت‌مدیره مارون را تا سال ۱۴۰۰ داشته و در شرکت‌هایی مانند آيسان کيميا، سابقه ریاست هیات مدیره تا سال ۹۹، پتروشیمی لاله ریاست هیات مدیره تا سال ۱۴۰۳ و عضو هیات مدیره صنایع پتروشیمی ابن‌سینا همدان را دارد.

امیر آذری، مدیر بازرگانی سابق مارون، در پتروشیمی لاله(رئیس هیات مدیره)، پتروشیمی صدرا خوزستان(سابقه عضویت در هیات مدیره)، پدید آوران صنعت اسپادان(سابقه عضویت در هیات مدیره) و صنایع پتروشیمی ابن‌سینا همدان(سابقه مدیرعاملی) عضویت داشته است.

امین امرایی خود نیز علاوه بر مدیرعاملی مارون، در پتروشیمی لاله(عضو اصلی هیئت‌مدیره)، پتروشیمی زاگرس، پتروشیمی شیراز، توسعه انرژی اعتماد مهر کیش و شرکت بهره‌برداری پترو پارس آریا کیش حضور مدیریتی دارد. این تعدد سمت‌ها در شرکت‌هایی که با یکدیگر معاملات تجاری دارند، نمونه کتابی تضاد منافع در حاکمیت شرکتی است.

سجاد محمدی لندی رئیس سابق بسیج دانشجویی دانشگاه آزاد امیدیه دلال اصلی، شریک و هم دانشگاهی سابق امین امرایی در حوزه پروژه های مارون و جهانبخش شریعت کارمند بازنشسته وزارت اطلاعات، رئیس حراست و هر دو عضو کنونی هیئت مدیره پتروشیمی مارون نیز دو چهره اصلی دیگر در شبکه فساد امرایی به شمار می‌روند.

صدرا شیمی، شرکتی که «هیچ» می‌فروشد

یکی از جالب‌ترین فصول این پرونده به شرکتی موسوم به صدرا شیمی خوزستان مربوط می‌شود. این شرکت که توسط حسین یزدانی در سال ۱۳۹۱ در اهواز به ثبت رسیده، طبق اسناد رسمی فاقد هرگونه فعالیت اقتصادی واقعی است — نه نیروی انسانی عملیاتی، نه دارایی فیزیکی، نه فعالیت تولیدی.

با این حال این شرکت به‌عنوان واسطه معاملات بنزین پیرولیز با پتروشیمی مارون کار می‌کند. کارشناسان از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۱ این موضوع را مستند کرده بودند. پیش از ورود امرایی، این همکاری متوقف شده بود. اما با آغاز دوران مدیریت امرایی، همکاری با صدرا شیمی دوباره از سر گرفته شد، علی‌رغم آنکه این شرکت در همان دوران سه بار از سوی پتروشیمی مارون جریمه شده بود.

این نکته اهمیت ویژه‌ای دارد: یک شرکت پوشش، بدون فعالیت واقعی، با سابقه جریمه از همین شرکت، دوباره در زنجیره معاملات مارون جا خوش کرد و کسی که این بازگشت را ممکن ساخت، مدیرعاملی بود که پیشینه دوستی و همکاری با بنیان‌گذار این شرکت داشت.

مجوز اتوکسیله در سایه‌ای که اجازه تولید نمی‌دهد

آخرین فصل این پرونده به اتفاقی برمی‌گردد که کمتر از سایر موارد به آن پرداخته شده، اما از نظر نمادین معنای عمیقی دارد. شرکتی موسوم به پتروناد آسیا زیر مجموعه پتروشیمی مارون — که پیوند آن با هلدینگ کیمیاگران در اسناد قابل ردیابی است، موفق شد در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر پروانه ساخت واحد تولید اتوکسیله دریافت کند.

کارشناسان شرکت ملی صنایع پتروشیمی یک واقعیت فنی انکارناپذیر را تأیید کرده‌اند: شرایط آب‌وهوایی ماهشهر با دمای محیطی حداکثر ۱۸ درجه سانتیگراد بالاتر از حد مجاز برای فرآیند اتوکسیلاسیون، اصولاً اجازه تولید اقتصادی و ایمن اتوکسیله را در این منطقه نمی‌دهد. به عبارت ساده‌تر، مجوزی برای کاری صادر شده که از نظر فنی در آن مکان امکان‌پذیر نیست، یا اگر هم امکان‌پذیر باشد، هزینه‌های انرژی آن را غیراقتصادی می‌کند. این مجوز در ادامه تعریف ده‌ها پروژه غیر اقتصادی در مجموعه مارون جهت ایجاد ارزش افزوده اسمی است.

برای درک پیچیدگی این فساد برنامه ریزی شده و چند جانبه در خصوص اقدامات صورت گرفته شرح زیر گویا است. در میان پیچیده‌ترین پرسش‌هایی که پرونده پتروشیمی مارون مطرح می‌کند، یک زنجیره سه‌حلقه‌ای از روابط تجاری است که نام امین امرایی، مدیرعامل فعلی این شرکت، در هر حلقه آن ظاهر می‌شود.

امرای مجوز ۲۳ هزار تن خوراک اتیلن اکساید یکی از ارزشمندترین محصولات واسطه‌ای پتروشیمی را از مارون پیش از مدیر عامل شدن دریافت کرد و آن را به گروه کیمیا، که با نام تجاری «کیمیاگران» نیز شناخته می‌شود، می‌فروشد پس از آنکه امرایی سکان مدیریت مارون را در دست می‌گیرد، این شرکت و گروه کیمیا به‌عنوان شرکای راهبردی در احداث پارک پتروشیمی پتروناد آسیا در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر وارد می‌شوند، این برنامه با ادعای برنامه تولید ۷۳ نوع محصول شیمیایی، از جمله طیف گسترده‌ای از اتوکسیلات‌ها که ماده اولیه کلیدی آن‌ها همان اتیلن اکساید است.

همزمان، پتروشیمی مارون با سرمایه سهامداران خود یک واحد تولید اتیلن اکساید خالص با ظرفیت ۴۵ هزار تن در سال احداث کرد. هدف اعلام‌شده این سرمایه‌گذاری در اسناد رسمی صریح است: تأمین خوراک واحد اتوکسیلات پتروناد آسیا. به عبارت دیگر، مارون زیرساختی ساخت که مستقیماً در خدمت شرکتی است که کیمیاگران در آن شریک است.

حلقه سوم این زنجیره فساد در تیرماه ۱۴۰۳ بسته شد، زمانی که امرایی در مقام مدیرعامل رسماً اعلام کرد که گروه کیمیا ۴۵ درصد از سهام پتروشیمی مارون را خریداری کرده و به بزرگ‌ترین سهامدار این شرکت تبدیل شده است.

تصویر نهایی که این اسناد ترسیم می‌کنند این است: کیمیاگران در یک زمان، هم خریدار خوراک از مارون است، هم شریک تجاری مارون در پتروناد، و هم مالک ۴۵ درصد از سهام همان مارون. و امین امرایی در هر سه مرحله این زنجیره حضور داشته است — یک‌بار به‌عنوان کسی که مجوز اولیه را صادر کرد، بار دیگر به‌عنوان مدیرعاملی که زیرساخت تغذیه پتروناد را ساخت، و در آخر به‌عنوان کسی که ورود همان گروه به سهامداری مارون را اعلام کرد.

در استانداردهای حاکمیت شرکتی، زمانی که یک مدیر در هر دو سوی یک معامله زنجیره‌ای حضور دارد، تضاد منافع نامیده می‌شود. این پرونده نه یک، که سه لایه از چنین تضادی را در خود دارد.

در کنار موارد مطرح‌شده، اسناد منتشرشده به تخلف‌ها و ابهام‌های دیگری نیز اشاره دارند؛ از جمله اعطای حدود ۷۲۵ میلیارد تخفیف خارج از عرف به مشتریان خاص، ثبت میلیاردها مطالبات وصول‌نشده، تغییر روش حمل و فروش از CARGO به VESSEL بدون توجیه اقتصادی، دور زدن سازوکار رقابتی و بورس انرژی در برخی معاملات، توقف مشکوک برخی پرونده‌های حقوقی، حذف Annex و مستندات کنترلی پروژه اتیلن اکساید، ابهام در خرید ۵۱ درصد سهام پتروشیمی ابن‌سینا همدان و همچنین انتقادهای فنی نسبت به خرید تجهیزات از برندهای مختلف که هزینه نگهداری و تامین قطعات را افزایش داده است. هرکدام از موارد بالا نیازمند بررسی جداگانه‌اند. شرح کامل این موارد، همراه با اسناد و فایل‌های PDF، در صفحه تلگرام «فیدوس» منتشر شده است.

سکوت نهادهای نظارتی در برابر اسناد گوی

آنچه این پرونده را از یک گزارش صرف اقتصادی فراتر می‌برد، سکوت سنگین نهادهای نظارتی است. سازمان بورس و اوراق بهادار ایران، سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات که همه از نظر قانونی موظف به نظارت بر شرکت‌های بورسی و پیشگیری از تضاد منافع در این سطح هستند، تاکنون هیچ اقدام رسمی اعلام‌شده‌ای در این رابطه انجام نداده‌اند.

در این میان، حضور محمد سجاد باتمانی از نزدیکان امرایی با پیوندهای مستند به وزارت دفاع، به‌عنوان نماینده شرکت تینا تدبیر مارون در هیئت‌مدیره پتروشیمی ابن‌سینا، توضیح احتمالی برای این سکوت را پیچیده‌تر می‌کند. ارتباطات امنیتی می‌توانند در محیط‌هایی که نهادهای نظارتی زیر نفوذ غیررسمی قرار دارند، سپری مؤثر در برابر پاسخگویی باشند.

سهامداران پتروشیمی مارون، از جمله صندوق‌های بازنشستگی که بخشی از حقوق بازنشستگی کارگران و کارمندان در این شرکت سرمایه‌گذاری شده، در برابر مجموعه‌ای از تصمیمات قرار گرفته‌اند که هر یک به‌تنهایی پرسش‌برانگیز است و در کنار هم، الگویی منسجم از بهره‌برداری سازمان‌یافته از یک شرکت بزرگ دولتی را ترسیم می‌کنند.

اسناد در سامانه کدال موجودند. ارقام زبان قابل محاسبه است. شبکه روابط قابل ردیابی است. آنچه هنوز غایب است، پاسخگویی است.